

ماهنامه كاوش (۱)

كد موضوعي: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۲۶۰۷

دفتر: مطالعات سياسي

مهرماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... مشکل اصلی روابط آمریکا و اسرائیل
- ۵..... آیا ایران می‌تواند به آمریکا حمله سایبری کند
- ۸..... نفوذ ایران در هلال شیعی، مصر، عراق و افغانستان
- ۱۰..... ایران و اسرائیل: مقایسه ماشین جنگی دو کشور
- ۱۹..... بن‌بست گفتگوهای هسته‌ای ایران
- ۲۳..... چرا پیش‌بینی‌های جنگ با ایران ادامه دارد؟
- ۲۸..... اسرائیل قصد حمله به ایران را ندارد
- ۳۱..... با اعتباربخشی به جنگ علیه ایران، از وقوع آن جلوگیری می‌شود
- ۳۴..... آیا حمله به ایران قریب‌الوقوع است؟ احتمالاً خیر
- ۳۶..... امارات متحده عربی ائتلاف ضد ایرانی را به نفع واشینگتن و تل‌آویو رهبری می‌کند
- ۳۹..... ژئوپلیتیک موشک‌های آسیایی
- ۴۳..... واقع‌گرایان در تهران
- ۴۷..... سیاست آمریکا در قبال ایران: چشم‌انداز موفقیت و شکست



ماهنامه کاوش (۱)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پستوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به‌دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش که از دوره هفتم مجلس شورای اسلامی با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تهیه می‌شود، تلاش دارد به بررسی عمده‌ترین مطالب برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غرب در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس در شماره ۱ کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، تحولات منطقه‌ای در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها فقط برای اطلاع و مراجعه اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ضمناً ماهنامه کاوش برای تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادهای اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

عنوان: مشکل اصلی روابط آمریکا و اسرائیل^۱

نویسنده: داو وکسمن

منبع: مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک^۲

نویسنده در این گزارش بر آن است که ایالات متحده و اسرائیل درباره دو موضوع اصلی در خاورمیانه یعنی منازعه اسرائیل - فلسطینیان و برنامه هسته‌ای ایران هدف مشابهی را دنبال می‌کنند. هر دو به دنبال راه‌حل ایجاد دو کشور اسرائیلی و فلسطینی بوده و خواهان پایان یافتن فعالیت‌های هسته‌ای ایرانند. با وجود این آمریکا و اسرائیل در چگونگی اولویت‌بندی این مسائل اساساً متفاوت عمل می‌کنند. نگرانی اصلی اسرائیل منازعه با فلسطینیان نیست و از نظر آنها این مسئله، قابل کنترل است. نگرانی اصلی این رژیم احساس خطر از جانب ایران است. در عوض، اگرچه برنامه هسته‌ای ایران برای ایالات متحده حائز اهمیت است، ولی این کشور مانند اسرائیل آن را تهدیدی خطرناک علیه خود تلقی نکرده و بنابراین، متوقف ساختن این برنامه را امری بسیار ضروری و مهم محسوب نمی‌کند.

ایران برای اسرائیلی‌ها به یک کابوس تبدیل شده است. ایران تقریباً در سطح جهانی بزرگ‌ترین دشمن اسرائیل و خطرناک‌ترین تهدید علیه آن در نظر گرفته می‌شود. نگرانی‌های عمومی پیرامون چنین تهدیدی در اسرائیل طی سال‌های اخیر افزایش یافته و هشدارهای آخرالزمانی مقامات سیاسی اصلی اسرائیل به نوبه خود به

1. Dov Waxman, The Real Problem in U.S.—Israeli Relations, Center for Strategic and International Studies, The Washington Quarterly 35:2 pp. 71-87.

۲. از مراکز تحقیقاتی مطالعات بین‌المللی است.



این نگرانی‌ها دامن زده است. احساس خطر از جانب ایران بر تمامی دیگر نگرانی‌های امنیت ملی اسرائیل (از جمله منازعه اعراب - اسرائیل) سایه افکنده است. اجماع عمومی وجود دارد که ظهور ایران هسته‌ای، تهدیدی بی‌سابقه را متوجه دولت یهود می‌سازد و حتی موجودیت دولت یهود را با خطر مواجه می‌سازد. اکثریت اسرائیلی‌ها با در نظر گرفتن این مسئله، در صورت ناکارآمدی تحریم‌ها و دیپلماسی در متقاعد ساختن ایران برای توقف غنی‌سازی اورانیم، از حمله نظامی یکجانبه کشورشان علیه تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند. این در حالی است که پیرامون ضرورت حمله فوری اسرائیل علیه ایران در میان آنان اختلاف نظر وجود دارد.

مقامات دولت اوپاما هر چقدر بر تعهد خود برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای قاطعانه تأکید کنند و به‌طور ضمنی نشان دهند که در صورت لزوم از قوای نظامی نیز استفاده خواهند کرد، این واقعیت که ایالات متحده به اندازه اسرائیل، از برنامه هسته‌ای ایران نگران نیست و از آن احساس خطر نمی‌کند، بر سر جای خود باقی است. این واقعیت به سادگی از موقعیت جغرافیایی این دو کشور نشئت می‌گیرد - ایالات متحده به مراتب بزرگ‌تر از اسرائیل بوده و فاصله بسیار زیادتری با ایران دارد. برد موشک‌های ایران به ایالات متحده نمی‌رسد و حتی در صورت رسیدن نیز، نمی‌تواند این کشور را نابود کند. بنابراین آمریکا و اسرائیل اساساً از خطر ایران درک متفاوتی دارند. این مسئله بی‌شک، کابوسی استراتژیک برای آمریکاست و احتمالاً می‌تواند به اشاعه هسته‌ای در منطقه و تضعیف تلاش‌های جهانی برای ترغیب منع اشاعه منجر شود. با وجود این، ایران هسته‌ای حتی تهدیدی

دور برای موجودیت آمریکا به‌شمار نمی‌آید. ایالات متحده می‌تواند با ایران هسته‌ای کنار آمده و به سادگی به‌دنبال محاصره و مهار آن باشد.

بنابراین آنچه به واقع در مورد برنامه هسته‌ای ایران، اسرائیل را از ایالات متحده جدا می‌کند، ارزیابی اطلاعاتی متفاوت آنها از نزدیک شدن ایران به ساخت تسلیحات هسته‌ای یا جدول زمانی و خطوط قرمز آنها برای تصمیم‌گیری پیرامون زمان حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران (به‌طوری که اغلب گزارش‌های رسانه‌ها مطرح می‌کنند) نیست؛ بلکه در حقیقت، ناشی از ارزیابی آنها از ضرورت حمله نظامی و میزان مفید بودن آن است. هزینه‌ها و منافع اقدام آشکار نظامی علیه ایران برای ایالات متحده و اسرائیل کاملاً متفاوت است. این موضوع می‌تواند نگرانی موجود در واشنگتن از احتمال تصمیم اسرائیل برای حمله به ایران بدون کسب اجازه از این کشور و تلاش مداوم دولت اوپاما برای مطمئن ساختن اسرائیل از تعهد آمریکا به حفظ امنیت آن را توضیح دهد. با وجود این، تضمین‌های آمریکا تنها می‌تواند اندکی از ترس اسرائیل از ایران بکاهد و نخواهد توانست نگرانی این کشور را از پذیرش نهایی و با اکراه ایران هسته‌ای از سوی آمریکا برطرف سازد. تمامی آنچه گفته شد، به شک طولانی مدت اسرائیل نسبت به تمایل ایالات متحده برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و یا اجازه به اسرائیل برای چنین اقدامی و نگرانی مدام آمریکا از حمله ناگهانی اسرائیل به ایران، بدون در جریان قرار دادن ایالات متحده افزوده می‌شود و دلیل دیگری برای تنش بین ایالات متحده و اسرائیل ایجاد می‌کند.



عنوان: آیا ایران می‌تواند به آمریکا حمله سایبری کند^۱

نویسنده: تام جلتن

منبع: NPR^۲

به نظر نویسنده مقامات امنیتی آمریکا و کارشناسان مستقل در این کشور همواره نگران حملات سایبری از سوی کشورهای نظیر چین و روسیه به زیرساخت‌های حساسی نظیر شبکه انرژی و ارتباطات یا سیستم‌های مالی در آمریکا بوده‌اند. ولی اکنون از تهدید سایبری جدیدی صحبت می‌شود که ایران است. شاید ایران امکانات روسیه و چین را نداشته باشد، ولی در سال‌های اخیر به سبب بحران هسته‌ای دشمنی آن کشور با آمریکا تشدید شده و احتمال تداوم این دشمنی‌ها در روابط ایران و آمریکا بسیار قوی است. ولی در صورت تداوم این خصومت‌ها آیا ایران حملات سایبری به آمریکا را مورد نظر قرار خواهد داد؟ «دیمتری آلپرویچ» پژوهشگر جنگ سایبری می‌گوید: «در صورت اعمال فشار بیشتر به ایران نگرانی‌ها در مورد توانایی آنها در به راه انداختن یک جنگ سایبری افزایش خواهد یافت. اگر حکومت ایران به این نتیجه برسد که موجودیت آن به‌طور جدی به خطر افتاده و یا ممکن است حمله نظامی به آن کشور اتفاق بیافتد آنها مسلماً برای پیشگیری از وقوع این حملات و یا برای تلافی کردن حملات نظامی از جنگ سایبری استفاده خواهند کرد». در ارزیابی کنگره آمریکا که اوایل سال جاری انتشار یافت «جیمز کلپر» مدیر امنیت ملی گفت که

1. Tom Gjelten, Could Iran Wage A Cyberwar On The U.S.? npr, 26 April, 2012.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل روابط بین الملل است.

ایران اکنون آمادگی و تمایل بیشتری برای حمله به آمریکا دارد و افزود که توانایی‌های ایران در عرصه جنگ سایبری در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. برای مثال دستگاه‌های امنیتی ایران در کنترل ارتباطات اینترنتی مخالفان رژیم توانایی خوبی نشان داده‌اند. با تشکیل نهادی تحت عنوان جنگ سایبری، تعداد زیادی از هکرهای طرفدار حکومت را سازماندهی کرده و تاکنون توانسته‌اند علاوه بر مسدود کردن وبسایت‌هایی نظیر توئیتر و یا نفوذ در شبکه گوگل، در داخل ایران نیز حملات سایبری موفقی را برای نفوذ در وبسایت‌های دیگر انجام دهند. کارشناسان ایمنی شبکه کامپیوتر یادآوری می‌کنند که هکرهای ایرانی از سطح متوسط هکرها بهتر عمل کرده و قاعدتاً ایران نیز باید به خوبی آنها باشد. شکی نیست که آنها از امکانات مالی لازم برخوردار هستند و انگیزه زیادی برای این نوع حملات دارند. در عین حال به بهترین دانشگاه‌های جهان برای کسب و آموزش فناوری‌های جدید دسترسی دارند. نگرانی اصلی احتمال وقوع حملات سایبری و نفوذ در شبکه‌های ارتباطی حساس مثل عرصه انرژی و یا مؤسسات مالی آمریکاست. اکثر کارشناسان جنگ سایبری بر این باورند که هکرهای ایرانی فعلاً چنین توانایی‌ای ندارند. ولی شاید با توانایی امروزی خود قادر باشند در وبسایت بانک‌های آمریکایی و بین‌المللی نفوذ کرده و خرابکاری کنند. «دیمتری آلپرویچ» کارشناس تهدید سایبری دولتی می‌گوید: «اگر کسی بتواند وارد سیستم اطلاعاتی بانک‌ها شده و بایگانی آنها را دستکاری کند اختلال گسترده‌ای به وجود خواهد آورد که پیامدهای آن تا مدت‌ها ادامه خواهد یافت». خطر حملات سایبری - اگر ایران به چنین عرصه‌ای وارد شود - با واکنش ارتش



آمریکا روبرو خواهد شد که از توانایی و امکانات گسترده‌ای برای جنگ سایبری - برخوردار است. شاید نگرانی از شکست در یک چنین رویارویی خطرناکی ایران را از آغاز جنگ سایبری علیه آمریکا برحذر دارد. به نظر برخی از کارشناسان امور امنیتی و دفاعی ایران نیز همچون اکثر حکومت‌های جهان، توانایی‌های خود در عرصه جنگ سایبری و یا توانایی‌های هسته‌ای خود را به عنوان یک ابزار دفاعی و برای جلوگیری از حملات دیگران توسعه می‌دهد. ولی نکته‌ای که بیش از همه جای نگرانی دارد احتمال انتقال این توانمندی و یا فناوری‌ها به دست گروه‌هایی است که در استفاده از آن برای حمله به منافع آمریکا تردید نخواهند کرد. ایران در زمینه استفاده از گروه‌های تندرو وابسته به آن کشور سابقه‌ای طولانی دارد و بنابراین نباید تردید چندانی داشت که آن کشور برای پیشبرد حملات سایبری خود از این گروه‌ها استفاده خواهد کرد. «پاتریک میهان» رئیس کمیته امور امنیتی و مبارزه با تروریسم کنگره آمریکا می‌گوید: «ما می‌دانیم که اگر حکومت ایران به‌طور جدی احساس خطر کند حتماً در عرصه جنگ سایبری فعال خواهد شد. ما می‌دانیم که آنها توانایی‌هایی دارند و به همین سبب لازم است ارزیابی دقیق‌تری از این توانایی‌ها به‌دست بیاوریم». مقامات دولت آمریکا از اظهار نظر مستقیم و دقیق در مورد توانمندی‌های ایران در عرصه جنگ سایبری پرهیز می‌کنند، ولی به‌طور کلی می‌پذیرند که این مسئله را باید یک خطر تلقی کرد.

عنوان: نفوذ ایران در هلال شیعی، مصر، عراق و افغانستان^۱

نویسنده: فردریک کاگان و دیگران

منبع: مؤسسه مطالعات جنگ^۲

این مقاله به بررسی نفوذ ایران در حوزه شرق مدیترانه، مصر، عراق و افغانستان می‌پردازد. نویسنده به بررسی میزان نفوذ ایران در شرق مدیترانه نظیر سوریه، لبنان، حزب‌الله، کناره باختری و نوار غزه - شامل حماس، جهاد اسلامی فلسطینی و گردان‌های الاقصی - می‌پردازد. همچنین این گزارش میزان نفوذ و راهکارهای ایران برای افزایش نفوذ خود در سه کشور عراق، مصر و افغانستان را نیز تشریح می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۸ تاکنون با پیروی از یک استراتژی یکپارچه قدرت نرم، نفوذ خود را در سرتاسر منطقه گسترش داده که برای این منظور از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی بهره برده است. بهار عربی در عین حال که چالش‌هایی برای تهران در خاورمیانه برانگیخته، فرصت‌های جدیدی نیز اعطا کرده است. در ادامه به مسئله اختلافات مذهبی در منطقه خصوصاً عراق و روابط ایران با سوریه، تفوق حزب‌الله در صحنه سیاسی لبنان و تأثیر آن بر ایران، انقلاب در مصر و دستاوردهای آن برای ایران اشاره شده است. همچنین سیاست‌های ایران در عراق را بسیار موفق دانسته که باعث شده ایران همزمان با حضور آمریکا و همسایگان

1. Frederick W. Kagan, Ahmad K. Majidiyar, Danielle Pletka, Marisa cochrane sullivan, iranian influence in the levant, egypt, iraq, and afghanistan, A Report by the American Enterprise Institute and the Institute for the Study of War, May, 2012.

۲. از مراکز تحقیقاتی مسائل نظامی و استراتژیک است.



عربی، نفوذ بی‌نظیری داشته باشد. نویسنده تلاش‌های ایران در همسایه شرقی‌اش یعنی افغانستان را چندان موفقیت‌آمیز ندانسته و عامل آن را نزدیکی حامد کرزای با ایالات متحده و ناتو عنوان می‌کند. به نظر نویسندگان گزارش از سال ۲۰۰۷ به بعد، ایران از یک استراتژی پیروی کرد که همزمان ابزارهای قدرت نرم و سخت را به کار گرفته و موفق شده موقعیت تهران در منطقه را بهبود و تحکیم بخشد. این گزارش اولاً به دنبال اثبات وجود رویکرد قدرت هوشمند ایران در منطقه و ثانیاً تبیین زوایای این رویکرد است. در پایان نیز به ایالات متحده و شرکایش در منطقه توصیه می‌کند که فقط به دنبال درک و فهم استراتژی منطقه‌ای ایران نباشند، بلکه باید استراتژی منسجمی برای مقابله با استراتژی ایران به کار گیرند.

عنوان: ایران و اسرائیل: مقایسه ماشین جنگی دو کشور^۱

نویسنده: بن پیون

منبع: الجزیره

اسرائیل، ایالات متحده و برخی قدرت‌های اروپایی، ایران را متهم می‌سازند که به دنبال ساخت تسلیحات هسته‌ای به منظور تکمیل تسلیحات متعارف خود است. ولی تهران ادعان دارد که برنامه فعلی آن دارای مقاصد صلح‌آمیز و غیرنظامی است. صرف‌نظر از این مسئله، قدرت‌های غربی عموماً بر این مسئله توافق دارند که ایران هنوز به تسلیحات هسته‌ای دست نیافته و حداقل ماه‌های بسیار زیادی با ساخت کلاهک قابل حمل - چنانچه هدف، واقعاً ایجاد چنین چیزی باشد - فاصله دارد. درحالی که حمله نظامی به پایگاه‌های هسته‌ای ایران دارای قطعیت نیست، امکان رویارویی نظامی وجود دارد. نگاهی به قوای مقایسه‌ای نیروهای ایران و اسرائیل، حاکی از تفاوت در تجهیزات، توانمندی‌ها و استعداد نیروهای ذکر شده است. بسیاری از تانک‌ها و هواپیماهای ایران با سطوح متفاوتی از نگهداری و به‌روز بودن از فناوری قدیمی‌تری برخوردارند. وی می‌افزاید، آخرین درگیری عمده نیروی نظامی ایران در جنگ تقریباً یک دهه‌ای با عراق در دهه ۱۹۸۰ میلادی بوده است که پس از آن ایران به‌گونه‌ای شایسته، دکترین عدم آغاز جنگ^۲ را در کنار قانون انکار موجه^۳ برای اقدامات نظامی نامنظم به‌کار گرفته است. رابرتز تصریح می‌کند: به‌طور کلی بر هیچ

1. Ben Piven, Iran and Israel: Comparing military machines, aljazeera, 24 Apr, 2012.

2. No First Strike

3. Plausible Deniability



کس پوشیده نیست که ارتش اسرائیل در کل منطقه از بهترین تجهیزات و آموزش‌ها برخوردار است، ولی بخش‌هایی از ارتش ایران دارای تجربه جنگی است. از طرفی نیروهای متعارف ایران مایه نگرانی آمریکا و متحدان این کشور نیست. سپاه پاسداران از سازماندهی و رسیدگی بهتری برخوردار است و نیروهای قدس و توانمندی‌های دریایی سپاه پاسداران - به‌ویژه شیوه جنگ نامتقارن آنها با این سلاح‌های نامعمول در واحدهای کوچک غیرمتمرکز - ابهام بزرگی را پدید آورده است. درحالی که دو ارتش فوق به احتمال زیاد وارد نبرد رو در رو در آینده‌ای نزدیک نخواهند شد، ممکن است سرانجام با نیروهای تحت‌الحمایه آنها در خلیج فارس یا کشورهای حاشیه دریای مدیترانه درگیر شوند. هرگونه رویارویی مستقیم میان اسرائیل و ایران، احتمالاً مستلزم استفاده از هواپیماهای دوربرد و تسلیحات دفاع هوایی، موشک‌های بالستیک و شناورهای دریایی کوچک خواهد بود. بهترین شیوه توصیف نگاه ایران به ارتش اسرائیل، بررسی آن از لحاظ جغرافیایی است. بر روی نقشه ممکن است اسرائیل از ایران زیاد دور نباشد، ولی در عالم واقع این دو بسیار دورتر از آن هستند که بتوانند در جنگی بی‌وقفه و پایدار در برابر هم ظاهر شوند.

از نظر تعداد^۱

اسرائیل تعداد ۱۷۶۵۰۰ نفر پرسنل در حال خدمت دارد که ۱۳۳۰۰۰ نفر از آنها در ارتش مشغول به خدمتند. خود ارتش از ۱۰۷۰۰۰ نفر پرسنل وظیفه تشکیل شده است. نیروی

۱. آمار ارائه شده در این مقاله نظر نویسنده آن بوده و لزوماً مورد تأیید مرکز پژوهش‌ها نیست.

دریایی این کشور، ۹۵۰۰ ملوان مشغول به خدمت در اختیار داشته و نیروی هوایی آن نیز از ۳۴۰۰۰ نفر تشکیل شده و مجموع قوای ذخیره آن به ۵۶۵۰۰۰ نفر می‌رسد. بنا به گزارش‌ها، ایران بیش از ۵۲۳۰۰۰ نفر پرسنل در حال خدمت دارد که ۳۵۰۰۰۰ نفر آن - از جمله ۲۲۰۰۰۰ نفر پرسنل وظیفه - در ارتش مشغول به خدمت‌اند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که وفادارترین نیروی نظام حاکم به شمار می‌آید، بالغ بر ۱۲۵۰۰۰ نفر سرباز در اختیار دارد. ارتش ایران که وظیفه آن دفاع از مرزها و حفظ نظم داخلی است، از قوای رسمی (ارتش) جمهوری اسلامی ایران - متشکل از قوای زمینی، دریایی و هوایی - (IRIAF) و ستاد دفاع هوایی خاتم‌الانبیا تشکیل شده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز متشکل از قوای مقاومت زمینی، دریایی، نیروی هوافضا و قدس (عملیات ویژه) است. ایران دارای ۱۸۰۰۰ پرسنل نظامی دریایی و ۳۰۰۰۰ کادر نیروی هوایی است که ۱۲۰۰۰ نفر از آنها در دفاع هوایی مشغول به خدمتند.

عنوان	ایران	اسرائیل
جمعیت کل	۷۸/۹ میلیون	۷/۵ میلیون
مردان ۱۶-۴۹ سال	۲۳ میلیون	۱/۸ میلیون
نیروهای مشغول به خدمت	۵۴۵,۰۰۰	۱۸۷,۰۰۰
نیروهای ذخیره	۶۵۰,۰۰۰	۵۶۵,۰۰۰
بودجه دفاعی	۹/۲ میلیارد دلار	۱۳/۵ میلیارد دلار



ارتش اسرائیل بیش از ۳۰۰۰ تانک در اختیار دارد که بنا بر گزارش‌ها متشکل از ۴۴۱ تانک مرکاوا MkI، ۴۵۵ تانک مرکاوا MkII، ۴۵۴ تانک مرکاوا MkIII، ۱۷۵ تانک مرکاوا MkIV و ۲۰۶ تانک مدل سنتوریون است. همچنین ارتش اسرائیل بنا به گزارش رویترز، حدود ۱۰۴۸۴ نفر بر زرهی و ۵۴۳۲ توپ - از جمله ۶۲۰ توپ دارای موتور و ۴۵۶ توپ قابل حمل - در اختیار دارد. طبق گزارش‌های رسیده، ارتش ایران دارای ۱۶۱۳ تانک است که متشکل از ۱۰۰ تانک ذوالفقار تولید داخل و حدود ۱۰۰ تانک چیفتن مدل Mk3 و Mk5 قدیمی ساخت انگلیس که قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹ خریداری شده در کنار ۱۵۰ تانک M-60A1 ساخت آمریکا و ۴۸۰ تانک T-72 و ۵۴۰ تانک مدل T-54/T-55 ساخت شوروی است.

تهران همچنین حدود ۶۴۰ نفر بر زرهی علاوه بر ۸۱۹۶ توپ - شامل ۲۰۱۰ توپ قابل حمل و بیش از ۸۰۰ توپ دارای موتور - برخوردار است. نیروی دریایی اسرائیل دارای ۳ زیردریایی تاکتیکی دلفین (نوع متفاوت مدل ۲۱۲ ساخت آلمان) - که به‌نظر می‌رسد به‌منظور مجهز ساختن اسرائیل به توانمندی پاسخ به حمله هسته‌ای از دریا^۱ به تسلیحات اتمی مجهز باشد - است و علاوه بر آن، ۵۷ کشتی جنگی ساحلی و گشت از جمله ۳ ناوچه در اختیار دارد.

عنوان	ایران	اسرائیل
تانک‌ها	۱,۱۶۳	۳,۵۰۱
توپ‌های قابل حمل	۲,۰۱۰	۴۵۶
توپ‌های خود کشتی	۸۶۵	۳۲۰
سامانه‌های راکت چندتایی	۲۰۰	۱۳۸
خیمپاره‌اندازه‌ها	۵,۰۰۰	۷۵۰
تسلیمات ضدتانک	۱,۴۰۰	۹۰۰
سلاح‌های ضدهوایی	۱,۷۰۱	۲۰۰
خودروهای لجستیک	۱۲,۰۰۰	۷,۶۸۴

ازسوی دیگر ایران به‌طور چشمگیری از ناوگان دریایی بزرگتری برخوردار است. این ناوگان شامل ۲۳ زیردریایی - از جمله ۱۵ زیردریایی تاکتیکی، ۳ زیردریایی تهاجمی دیزل الکتریک مدل ۸۷۷ کلاس کیلو ساخت روسیه، ۱۲ زیردریایی کوچک (شناورهای آب‌های عمیق به نام‌های غدیر و نهنگ که برای خلیج فارس در ایران ساخته شده‌اند) و ۸ زیردریایی حمل غواص است. طبق گزارش‌ها، ایران بیش از ۱۰۰ کشتی جنگی ساحلی و گشت - از جمله ۶ ناوچه، ۱۳ کشتی گشت، ۴ قایق گشت، ۲۱ قایق نیمه مغروق^۱ و ۵۶ قایق گشتی مختلف - در اختیار دارد.



عنوان	ایران	اسرائیل
کل کشتی‌های دریایی	۲۶۱	۶۴
ناوگان تجاری	۷۴	۱۰
بنادر و پایانه‌های اصلی	۳	۴
ناو هواپیمابر	۰	۰
ناوشکن	۳	۳
زیردریایی	۱۹	۳
ناو محافظ	۵۸	۰
کشتی گشت	۱۹۸	۴۲
کشتی تاخت آب‌خاکی	۲۶	۰

نیروی هوایی اسرائیل که به علت دقتش در جنگ سال ۱۹۶۷ شهره بود، در دهه‌های بعد با برجا گذاشتن تلفات هزاران نفری از غیرنظامیان در کرانه غربی، نوارغزه و لبنان مورد انتقاد شدید قرار گرفت. این نیرو دارای ۴۶۰ هواپیما با قابلیت جنگی، ۱۶۸ جنگنده - شامل ۲۷ هواپیمای بوئینگ F15A Eagle، ۷ هواپیمای F15B و ۹۰ هواپیمای F16A فالکن جنگنده X است. این ناوگان همچنین دارای ۲۲۷ جنگنده حمله زمینی و ۶۵ هواپیمای تهاجمی به علاوه ۹ هواپیمای مخزن‌دار/ ترابری و ۷۷ هواپیمای دارای قابلیت حمل و نقل دیگر است. اسرائیل دارای ۸۱ هلیکوپتر تهاجمی - شامل ۳۰ هلیکوپتر کبرای AH-1E/AH-1F ساخت شرکت بل و ۳۰ هلیکوپتر آپاچی آتشبار AH-64A و ۲۰۰ هلیکوپتر ترابری - است. توانمندی‌های دفاع هوایی این کشور، در مقایسه با ۲۷۹ موشک سام متعلق به ایران، شامل ۴۸ پرتابگر قابل حمل

موشک‌های زمین به هوا (سام) و ۹۲۰ ضدهوایی است.

گمان می‌رود، نیروی هوایی ایران دارای ۳۳۶ هواپیمای با قابلیت جنگی است که متشکل از ۱۸۹ هواپیمای جنگنده از جمله ۲۰ جت F5B ساخت آمریکا، ۶۰ هواپیمای F5E Tiger II و ۳۵ هواپیمای جت میگ ۲۹ A ساخت روسیه است. به نظر می‌رسد این نیرو از ۱۰۸ هواپیمای حمله زمینی نیز برخوردار باشد که در میان آن، هواپیماهای ساخت ایران و روسیه (که بنا به گزارش‌های بسیاری از آنها از عراق گرفته شده) به چشم می‌خورد. این کشور دارای ۱۱۶ هواپیمای ترابری ساخت چین، هلند، ایالات متحده و دیگر کشورهاست. نیروی هوایی ایران از ۳۰ چرخ‌بال شناسایی دریایی C ۲۱۴ ساخت شرکت بل برخوردار است.

توان موشکی

ایران دارای حدود ۱۰۰۰ موشک استراتژیک است و توقع می‌رود توانایی هدف قرار دادن سرتاسر خلیج فارس و مناطق ورای آن را داشته باشد. بنا به گزارش‌ها این موشک‌ها تحت کنترل سپاه پاسداران قرار دارد و شامل حدود ۳۰۰ موشک بالستیک کوتاه برد - از جمله موشک شهاب ۱ (Scud-B)، موشک شهاب ۲ (Scud-C) و تندر ۶۹ (CSS-8) ساخت ایران - است.



عنوان	ایران	اسرائیل
کوتاه‌برد	(1,280km) شهاب ۲	(1,400km) جریکو ۱
میان‌برد	(1,600km) قدر ۱	(2,800km) جریکو ۲
دوربرد	(2,400km) سجیل ۲	(5,000km) جریکو ۳

تهران همچنین موشک‌های بالستیک میان‌برد راهبردی شهاب ۳، با برد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر (بنا به گزارش‌ها)، موشک قدر ۱ با برد تقریبی ۱۶۰۰ کیلومتر و نوعی از موشک شهاب ۳ (که به عنوان سجیل ۲ شناخته می‌شود) با برد ۲۴۰۰ کیلومتر - بنا به گزارش رویترز - را در داخل تولید می‌کند. در صورت صحت این امر، اسرائیل و بیشتر اروپای شرقی در تیررس این موشک‌ها قرار دارد.

ایران در ژانویه سال ۲۰۰۹، موشک هوا به هوای جدیدی را آزمایش کرد. پس از آن در هفتم مارس سال ۲۰۱۰، ایران تولید موشک‌های کروز میان‌برد خود را آغاز کرد. ادعا شده که این موشک‌ها دقت بالایی داشته و از توانایی نابودی اهداف سنگین نیز برخوردار است. سپاه پاسداران دارای ۲۴ پرتاب‌کننده موشک است که در این میان ۱۲ تا ۱۸ پرتاب‌کننده مختص موشک‌های کوتاه‌برد شهاب ۱ و ۲ بوده و حداقل ۶ پرتاب‌کننده دیگر به موشک‌های شهاب ۳، قدر ۱ و سجیل ۲ اختصاص دارد. همه این آمارها در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و واقعاً صحت آن مشخص نیست.

ایران در جریان مانور خود در اوایل ژانویه سال ۲۰۱۲، موشک‌های زمین به هوای میان‌بردی را در خلیج فارس آزمایش کرد که طراحی و تولید آن در داخل صورت گرفته بود. این آزمایش همزمان با افزایش فشارهای بین‌المللی بر سر برنامه

هسته‌ای این کشور انجام شد. درحالی که ایران روند تولید تسلیحات هسته‌ای را رد می‌کند، این باور گسترده وجود دارد که اسرائیل علیرغم سیاست ابهام هسته‌ای از چنین قابلیت‌های برخوردار است. موشک‌های حامل، شامل موشک بالستیک میان‌برد جریکو ۲ و موشک کوتاه‌برد جریکو ۱ است. گمان می‌رود اسرائیل طیفی از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای داشته باشد که از توانایی قرار گرفتن بر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما (ICBM) برخوردار است. اسرائیل در دوم نوامبر سال ۲۰۱۱، از پایگاه پالمخیم، یک موشک بالستیک قاره‌پیما را امتحان کرد که گمان می‌رود مدل جدید موشک جریکو ۳ باشد. این موشک از توانایی حمل کلاهک ۱۰۰۰ کیلوگرمی برخوردار بوده و برد آن به آمریکای جنوبی یا اقیانوسیه نیز می‌رسد. روز پس از آن این کشور مانور دفاع شهری گسترده‌ای را ترتیب داد که طی آن حمله موشکی به مرکز این کشور شبیه‌سازی شده بود.

رابرتز کارشناس امنیت در مؤسسه خدمات متحد سلطنتی بر این باور است که اسرائیل، فاقد هواپیماهای کافی و بمب‌های مناسب برای ایجاد ضربه چشمگیر به برنامه اتمی ایران است: من فکر نمی‌کنم کار عاقلانه‌ای باشد. نباید این توهم وجود داشته باشد که اسرائیل می‌تواند به‌طور یکجانبه برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند. آنچه مشخص است متعاقب حمله، این تضمین وجود ندارد که ایران مخفیانه و با سرعت ساخت بمب اتمی را در پیش نگیرد.



عنوان: بن‌بست گفتگوهای هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: مایکل لوی

منبع: Council on Foreign Relation

بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ و چگونگی خروج از آن، موضوع مهمی است که کارشناسان مختلف در مورد آن راه‌حل‌های گوناگونی را تاکنون ارائه داده‌اند، اما بهترین راه برای ارائه یک راه‌حل واقعی این است که خواسته‌های اساسی هر دو طرف مورد بررسی قرار گیرد. در این میان، به‌نظر نویسنده، آشتی دادن میان این موضع ایران و غرب کار دشواری است، زیرا که از یکسو ۵+۱ می‌خواهد احتمال تولید بمب هسته‌ای ایران را از بین ببرد و از این‌رو می‌کوشد فعالیت‌های هسته ایران را به‌طور اساسی محدود کند. بر این اساس آنها به روشنی خواهان آنند که ایران غنی‌سازی را در تأسیسات فردو که در سال ۲۰۰۹ فاش شد متوقف کند و اورانیم غنی شده تا سطح متوسط را که در این تأسیسات تولید شده است به خارج منتقل کند. این ۶ کشور همچنین اصرار دارند که ایران غنی‌سازی را در سطح گسترده‌تری متوقف کند، هرچند که شرایط دقیقی که آنها تعیین کرده‌اند نامشخص است. آنها می‌خواهند که ایران درباره ابعاد نظامی فعالیت‌های گذشته (و احتمالاً کنونی) خود شفاف‌سازی کند و به پرسش‌ها پاسخ دهد. از سوی دیگر، ایران موضع ایران درباره هرگونه تغییر موضع بالقوه در هر دو موضوع فردو و اورانیم غنی شده سطح متوسط مبهم بوده و مقامات ایرانی نیز تصریح کرده‌اند که در مورد دیگر فعالیت‌های

1. Michael A. Levi, The Iran Nuclear Talks Impasse, Council on Foreign Relation, 5 July, 2012.

غنی‌سازی خود هیچ‌گونه محدودیتی قائل نیستند. همچنین ایران در ازای هرگونه تغییر موضع معنادار درباره هر کدام از موضوعات مورد مذاکره، خواستار لغو همه تحریم‌های کنونی و تحریم‌های آینده است.

در این شرایط، به نظر می‌رسد که هم‌اکنون ایران بیشترین قدرت نفوذ را داشته باشد، زیرا که ایران مشغول توسعه زیرساخت هسته‌ای خود است و در غیاب اقدام نظامی، این فقط ایران است که می‌تواند این پویایی را متوقف کند یا به حرکت اندازد. این مسئله موجب شده است دستیابی به راه‌حلی که رضایت گروه ۵+۱ را تأمین کند دشوار شود. ایران همچنین از این امتیاز برخوردار است که می‌تواند ۶ کشور مختلف را در برابر همدیگر قرار دهد. این ۶ کشور تاکنون موضع یکپارچه خود را حفظ کرده‌اند، اما این انسجام هیچ‌گاه ۱۰۰ درصد نبوده است. در این وضعیت، گروه ۵+۱ با شدت یافتن تحریم‌ها به قدرت نفوذ بیشتری دست می‌یابد. وقتی تحریم‌های تازه‌ای را اعمال می‌کنید به یک برگه چانه‌زنی جدید دست یافته‌اید و می‌توانید هرگاه که خواستید آن را حذف کنید. اما بن‌بست با انبوهی از تحریم‌ها و دستیابی ایران بمب هسته‌ای یک باخت برای گروه ۵+۱ است. بنابراین تحریم‌های جدید فقط می‌تواند به گروه ۵+۱ در قبال مذاکرات هسته‌ای و تلاش‌های آنان برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران کمک کند. شواهد روشنی وجود دارد که نشان می‌دهد تحریم‌هایی که در ماه‌های اخیر به اجرا گذاشته شده است میزان نفت صادراتی ایران و درآمدهای حاصل از فروش نفت را کاهش داده است. کاهش قیمت‌های جهانی نفت نیز درآمدهای ایران را کاهش داده است. اما ما دقیقاً نمی‌دانیم که مقامات ایران چقدر احساس فشار



می‌کند. بعید است که تحریم‌ها به تنهایی ایران را متقاعد کند که به همه خواسته‌های گروه ۵+۱ تن بدهد. بیشترین کارآیی تحریم‌ها زمانی است که یک مسیر خروجی محتمل نیز وجود داشته باشد. اما اکنون معلوم نیست آیا طرف‌های مناقشه چنین چیزی را شناسایی کرده‌اند یا خیر؟ براین اساس است که هیچ نشانه‌ای از موفقیت در نشست‌های گروه ۵+۱ یا پیشرفت در آینده دیده نمی‌شود. با وجود این، در مورد این مذاکرات تنها می‌توان گفت که همه چیز به‌طور کامل از هم نپاشیده است. زیرا که اگر مقامات ایرانی به این نتیجه رسیده باشند که با طولانی کردن گفتگوها می‌توانند جلوی حمله نظامی احتمالی اسرائیل را بگیرند و اگر گروه ۵+۱ به این نتیجه رسیده باشد که چنین حمله‌ای فعلاً غیرعاقلانه است، مسلماً مذاکرات را ادامه خواهند داد، اما هیچ‌گونه پیشرفت تدریجی، دستکم به معنای دستیابی به یک توافق اولیه وجود نخواهد داشت. در واقع پیشرفتی جدی در مذاکرات به این معنی که ایران به‌طور روشن آمادگی خود را برای مذاکره درباره کل برنامه هسته‌ای و نه فقط درباره فردو اعلام کند و گروه ۵+۱ نیز تمایل خود را برای بررسی باقی‌مانده فعالیت‌های غنی‌سازی ایران نشان دهد، وجود نخواهد داشت. ازسوی دیگر، با توجه به اینکه ایران با آژانس بین‌المللی انرژی نیز مذاکرات هسته‌ای خود را پیگیری می‌کند امکان پیشرفت‌هایی در این مذاکرات وجود دارد. این مسئله می‌تواند به دسترسی به سایت‌های نظامی بالقوه مربوط شود، به‌ویژه از آنجا که ۵+۱ معتقد است که ایران ظاهراً این سایت‌ها را به‌طور گسترده مخفی کرده است. با وجود این، این کار کمک زیادی به مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران نمی‌کند، زیرا گروه ۵+۱ از قبل همواره بر این نظر بوده که برنامه

هسته‌ای ایران دستکم مقاصد نظامی پنهانی نیز دارد.

با توجه به بن‌بست کنونی و مجموعه شرایط موجود، شدت بخشیدن به تحریم‌ها برای افزایش فشار بر ایران برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن خوب هستند، اما گروه ۵+۱ و به‌ویژه آمریکا، باید یک راه‌حل جایگزین و محتمل را نیز روی میز بگذارند. در این راه‌حل، ایران باید تولید اورانیم غنی شده در سطح متوسط را متوقف کند، ذخیره این نوع اورانیم را به خارج از کشور منتقل سازد و دو طرف درباره حدود دیگر فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیم در ایران، از جمله درباره توسعه فناوری غنی‌سازی، به مذاکره بپردازند. بازرسی‌های سختگیرانه جدید و مستمر (در بسیاری از موارد از طریق رصد از راه دور به جای حضور فیزیکی بازرسان) و برقراری نوعی توازن میان محدودیت‌های فیزیکی سختگیرانه‌تر و بازرسی‌های سرزده‌تر نیز ضروری باشد. گروه ۵+۱ نیز باید آمادگی خود را برای پایان دادن به تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای اعلام کند. به نظر می‌رسد که این بهترین رویکرد خواهد بود هرچند که معلوم نیست که قادر به برطرف کردن بن‌بست کنونی باشد، اما باید این رویکرد یا رویکردی مشابه آن را در شرایط کنونی که چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای دیده نمی‌شود، امتحان کرد.



عنوان: چرا پیش‌بینی‌های جنگ با ایران ادامه دارد؟^۱

نویسنده: استفان والت

منبع: Foreign policy^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی تشدید تهدیدات اخیر اسرائیل در مورد حمله نظامی به ایران پرداخته و تأکید کرده است که این موضوع فقط یک پروژه عملیات روانی بزرگ علیه ایران است. در ابتدای مقاله نویسنده به این مسئله اشاره می‌کند که شاید شما نیز متوجه شده باشید که برنامه فعالی برای دور نگهداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای ادامه دارد. اما هدف اصلی این کار در حقیقت جلوگیری از رسیدن ایران به ظرفیت بالقوه تولید سلاح است تا اگر در مقطعی این کشور تصمیم بگیرد چنین سلاحی تولید کند توانایی آن را نداشته باشد. به همین دلیل آمریکا و کشورهای دیگر تحریم‌های بسیار شدید اقتصادی علیه ایران اعمال کرده‌اند، مبارزه مخفیانه‌ای مانند ویروس استاکس نت را در پیش گرفته‌اند و مرتب این کشور را به توسل به نیروی نظامی تهدید می‌کنند. در این میان، یکی از عوامل کمک‌کننده به این برنامه، هشدارهای پی در پی سران اسرائیل مبنی بر رو به اتمام بودن زمان است و اینکه آنها خود را برای حمله پیشگیرانه یکجانبه آماده می‌کنند. البته اجرای این طرح تا حد زیادی به همکاری روزنامه‌نگاران همراه و سازمان‌های رسانه‌های فرمانبردار بستگی دارد، زیرا آنها به‌عنوان سکویی برای انتشار این پیشگویی‌های بدبینانه عمل کرده‌اند.

1. Stephen M. Walt, Why do people keep predicting war with Iran?, Foreign policy, 10 August, 2012.

۲. از نشریات حوزه روابط بین‌الملل است.

برای مثال در سپتامبر ۲۰۱۰ نشریه آتلانتیک یک گزارش به قلم جفری گلدبرگ با عنوان «نقطه بدون بازگشت» چاپ کرد که مبنای آن مصاحبه با ده‌ها مقام اسرائیلی بود. گلدبرگ در آن مقاله به این نتیجه رسید که احتمال حمله اسرائیل به ایران تا ژوئیه ۲۰۱۱ بیش از ۵۰ درصد است. خوشبختانه دقت این پیش‌بینی گلدبرگ مانند پیش‌بینی‌های قبلی وی در مورد خاورمیانه بود و درست از آب در نیامد. پس از آن در ژانویه امسال، روزنامه نیویورک تایمز مقاله‌ای از رونان برگمن روزنامه‌نگار اسرائیلی با عنوان «آیا اسرائیل به ایران حمله می‌کند؟» به چاپ رساند. این مقاله در واقع تکرار مقاله قبلی گلدبرگ بود. در این مقاله نیز به نقل از چندین مقام اسرائیلی گفته شد برنامه هسته‌ای ایران به مرحله بحرانی نزدیک می‌شود و اگر ایران حاضر به متوقف ساختن کامل غنی‌سازی نشود، اسرائیل علیه این کشور دست به اقدام نظامی خواهد زد. با اینکه در این مقاله، در چند مورد به صورت جزئی به خطرات حمله و این احتمال که حمله باعث توقف طولانی مدت پیشرفت ایران نمی‌شود اشاره شد، اما جهت کلی مقاله به این سمت بود که احتمال حمله به ایران بسیار بالاست. حتی نشریه فارن پالیسی نیز وارد این بازی شد و گزارش مشابهی را از جان هانا مشاور سابق دیک‌چنی چاپ کرد. به گفته هانا، صحبت‌های اخیر وی با مقامات اسرائیلی او را قانع کرد که تصمیم اسرائیل به برخورد یکجانبه با برنامه هسته‌ای ایران به هیچ وجه تهدید توخالی نیست. وی در پایان مقاله به این نتیجه رسید که حمله به ایران بسیار محتمل‌تر از آن است که قبلاً فکر می‌کردم. روزنامه هآرتس نیز مقاله باراک راوید را به چاپ رساند که مبنای آن مصاحبه با یک مقام ناشناس



اسرائیلی بود. در این مقاله ادعا شده است که براساس تازه‌ترین اطلاعات آمریکا، پیشرفت ایران به سمت بمب، سریع است. اطلاعات ارائه شده در این مقاله در نهایت از سوی ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل تأیید می‌شود (البته همه ما می‌دانیم که منبع اولیه تمام این اطلاعات باراک بوده است)، اما بلافاصله از سوی مقامات آمریکایی تکذیب می‌شود. در این خصوص نوام شیزاف نویسنده مستقل می‌گوید روزنامه‌های اسرائیلی مملو از عناوینی است که بر اساس آنها خطرات رو به افزایش است و نتانیاها و باراک مصمم هستند در یکی از روزهای پاییز امسال به ایران حمله کنند. تازه‌ترین و البته نه آخرین نمونه، گزارش روزنامه نیویورک تایمز است که مطلبی یک‌طرفه در مورد سایه جنگ بین اسرائیل و ایران منتشر کرد و تقریباً تمام تقصیرات مربوط به ایجاد بحران را به گردن ایران انداخت. این روزنامه در صفحه نخست خود از حملات مداوم ایران یاد کرد بدون اینکه اشاره کند که ایران و اسرائیل مجموعه‌ای از حملات لفظی علیه یکدیگر داشته‌اند. پس از این اقدام یک‌جانبه، اشاره کوتاهی به ترور دانشمندان غیرنظامی ایران شد (که تقریباً مسجل است کار موساد بوده است). من قصد ندارم از آنچه که ایران انجام می‌دهد دفاع کنم و تنها یادآوری می‌کنم اینکه تمام اقدامات آمریکا و اسرائیل را صرفاً دفاعی توصیف کنیم و بگوییم ایران دست به اقدامات تهاجمی زده است، گمراه‌کننده است.

همان طور که چند ماه قبل اشاره کردم، تقریباً غیرممکن است که میزان صحت پیش‌بینی‌های مکرر احتمال حمله اسرائیل به ایران را تعیین کنیم. این نشان می‌دهد که هیچ کمبودی در زمینه روزنامه‌نگاران و نظریه‌پردازان طرفدار دولت اسرائیل وجود

ندارد؛ اما نشان نمی‌دهد که چه اتفاقی قرار است بیافتد و مقامات اسرائیلی واقعاً چه اندیشه‌ای دارند. دلیل آن این است که مقامات مختلفی که این مقالات براساس اظهارات هشداردهنده آنها شکل می‌گیرد، دلایل متفاوتی برای لزوم حمله به ایران ارائه می‌کنند. کسانی که جنگ علیه ایران را پیش‌بینی می‌کنند احتمالاً تلاش می‌کنند تحریم‌های جهانی علیه این کشور را تقویت کنند و این کشور را در انزوا قرار دهند. آنها می‌دانند که آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم را به جنگ ترجیح می‌دهند و بنابراین به‌طور مداوم از جنگ سخن می‌گویند تا اروپا و آمریکا را به تشدید تحریم‌ها مصمم‌تر کنند. این کار همچنین راه خوبی برای فشار آوردن و مجبور ساختن آمریکا به ارائه کمک‌های نظامی بیشتر به اسرائیل است و ازسویی افکار عمومی را از مسائل جنجالی مانند افزایش شهرک‌سازی و فرآیند صلح که تقریباً مرده و دفن شده است، منحرف می‌کند. با توجه به این انگیزه‌ها، شاید بتوان گفت تهدید حمله اسرائیل به ایران چندان جدی نیست. اگر چه من فکر می‌کنم جنگ با ایران کاری احمقانه است، اما نمی‌توان آن را به‌طور کامل منتفی دانست. هر کشوری ممکن است مرتکب اشتباه شود و اسرائیل و آمریکا نیز از این قاعده مستثنا نیستند و ممکن است دچار اشتباه محاسباتی شوند. نمونه این اشتباهات را می‌توان در جنگ عراق و حمله به لبنان دید. ولی من تردید دارم که اسرائیل به ایران حمله کند، به این دلیل ساده که اسرائیل توانایی نظامی لازم را برای وارد آوردن آسیب استراتژیک جدی به تأسیسات هسته‌ای ایران ندارد. بر اساس گزارش سرویس تحقیقاتی کنگره آمریکا که اوایل سال ۲۰۱۲ منتشر شد، مقامات اسرائیلی و کارشناسان اتفاق نظر دارند که حمله نمی‌تواند باعث نابودی کامل



برنامه هسته‌ای ایران شود. در این گزارش همچنین آمده است حمله اسرائیل نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را برای مدت طولانی متوقف کند و موفقیت بلندمدت در این زمینه، نیازمند حملات نظامی پیاپی و یا فعالیت دیپلماتیک پس از حملات مانند اعمال تحریم خواهد بود.

بنابراین بررسی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که تمام صحبت‌ها در مورد خطوط قرمز اسرائیل و حملات قریب‌الوقوع (مانند احتمال حملات غافلگیرانه اکتبر) فقط در حد حرف است. در واقع آنهایی که وقوع جنگ را پیش‌بینی می‌کنند کم کم به افراد حواس‌پرتی شباهت پیدا می‌کنند که مرتب پایان دنیا را پیش‌بینی می‌کنند و زمانی که دنیا در تاریخ تعیین شده به پایان نمی‌رسد آن تاریخ را تمدید می‌کنند. ما چه زمان از توجه کردن به این افراد دست می‌کشیم؟ همان طور که گفتم نمی‌توانم به‌طور کامل مطمئن باشم که منطق پیروز می‌شود و جنگ رخ نمی‌دهد، هر چند که به‌نظر می‌رسد افراد منطقی زیادی در دستگاه امنیتی اسرائیل حضور دارند که با جنگ مخالفت می‌کنند و نسبت به آن هشدار می‌دهند. آنچه که مرا بیش از هر چیز نگران می‌کند این است که افرادی که تا به حال از وقوع جنگ سخن گفته‌اند نگران شوند اعتبار آنها زیر سؤال برود و بنابراین به تلاش برای وقوع جنگ ادامه دهند، البته این احمقانه‌ترین دلیلی است که می‌توان به آن فکر کرد ولی گاهی افراد بسیار باهوش هم مرتکب اشتباهات احمقانه می‌شوند.

عنوان: اسرائیل قصد حمله به ایران را ندارد^۱

نویسنده: آرون دیوید میلر

منبع: Foreign Policy

نویسنده در این مقاله به بررسی تهدیدات اخیر اسرائیل در مورد حمله به ایران پرداخته و تأکید کرده است که دلایل مختلفی وجود دارد که اسرائیل حداقل در سال ۲۰۱۲ قصد حمله به ایران را ندارد. در ابتدای مقاله، نویسنده با اشاره به برخی از پیامدهای احتمالی اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران - مانند بی‌ثباتی منطقه‌ای، گسترش تروریسم، افزایش قیمت نفت و تشدید بحران اقتصادی - احتمال وقوع جنگ را برای سال کنونی میلادی رد کرده و آن را تا سال ۲۰۱۳ یا پس از محتمل دانسته است. به نظر نویسنده، در صورت عدم دریافت چراغ سبز آمریکا برای جنگ با ایران، اسرائیل این موضوع را به سال آینده یا پس از آن موکول خواهد کرد. بنابراین در شرایط کنونی، از یکسو جنگی بر سر پرونده هسته‌ای آن صورت نخواهد گرفت، زیرا نه آمریکا و نه اسرائیل هیچ‌کدام تمایلی به اقدام نظامی ندارند، اما از سوی دیگر و معامله‌ای نیز با ایران بر سر پرونده هسته‌ای آن صورت نخواهد گرفت و لذا تهدیدات اخیر فقط در راستای افزایش فشار بر ایران تشدید خواهد شد. نویسنده در ادامه مقاله به سه دلیل برای عدم حمله اسرائیل به ایران در شرایط کنونی اشاره کرده است:

۱. حمله به ایران ضرورتی ندارد: به نظر نویسنده، هیچ‌کس نمی‌تواند نگرانی‌های

اسرائیل از دستیابی به سلاح هسته‌ای را نادیده گیرد، زیرا با دسترسی ایران به

1. Aaron David Miller, KABOOM (Everyone calms down: Israel is not going to bomb Iran. Well, at least not in 2012), Foreign Policy, 20 August, 2012.



تسلیمات اتمی، این توانمندی ایران سبب تقویت اهداف منطقه‌ای آن، تضعیف قدرت بازدارندگی آمریکا و شروع مسابقه تسلیحاتی در منطقه می‌شود، با وجود این احتمال حمله از سوی اسرائیل در شرایط کنونی وجود ندارد. در واقع باید کمی شفاف به مسئله هسته‌ای ایران نگاه کرد ایران هیچ‌گونه تسلیحات اتمی در اختیار ندارد، هیچ بمبی را آزمایش نکرده و فقط اسرائیل خواستار حمله به ایران است. با وجود این، در میان افکار عمومی، مقامات و نخبگان اسرائیلی نیز هیچ‌گونه اجماعی در خصوص حمله به ایران وجود ندارد. نتایج نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که ۶۰ درصد شهروندان سرزمین‌های اشغالی با حمله احتمالی به ایران مخالف هستند. به‌علاوه که پیامدهای حمله به ایران بسیار گسترده و ریسک آن نیز زیاد خواهد بود. نخست اینکه، احتمال سقوط هواپیماها و به اسارت درآمدن خلبانان اسرائیلی وجود دارد. همچنین بدون شک قیمت نفت به شدت افزایش خواهد یافت، بازارها و اقتصاد شکننده جهانی با آسیب فراوانی روبرو خواهد شد و موشک‌های ایران نیز سرزمین‌های اشغالی را مورد هدف قرار خواهند داد. علاوه بر این، حمله علیه منافع آمریکا در افغانستان نیز افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، ایران در مدت ۲ تا ۶ ماه به قابلیت خواهد رسید که حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای این کشور تاثیر چندانی نخواهد داشت و تنها پیامدهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی ناگواری در سطح جهان در پی خواهد داشت.

۲. رژیم صهیونیستی واقعاً قصد حمله ندارد: اسرائیل در شرایط کنونی هیچ برنامه جدی برای حمله به ایران ندارد و بیشتر خواستار حفظ وضع موجود است. مقامات اسرائیل امیدوار هستند که تحریم‌های کنونی و حملات سایبری به ایران تأثیر

فراوانی در کاهش قدرت ایران خواهد داشت. در این مورد نباید شک داشت که اسرائیل خود را آماده حمله به ایران کرده است، اما مقامات این رژیم خود نیز می‌دانند که توانمندی لازم برای ضربه وارد کردن به برنامه هسته‌ای ایران را ندارند. حمله به ایران نه تنها سبب مشروعیت بخشیدن به برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد، بلکه روند آن را نیز تسریع خواهد بخشید. این دقیقاً همان اشتباهی است که اسرائیل در سال ۱۹۸۱ و حمله به تأسیسات اتمی عراق مرتکب شد.

۳. اجازه دهید آمریکا این کار را انجام دهد: هر چند حمله آمریکا به ایران می‌تواند آسیب فراوانی به توان نظامی متعارف ایران وارد کند، اما این اقدام نیز موجب توقف دائمی برنامه هسته‌ای ایران نخواهد شد. مقامات اسرائیلی امیدوار هستند تا آمریکا به ایران حمله کند، زیرا در این صورت می‌توانند از بروز تنش در روابط خود با آمریکا جلوگیری کنند. همچنین آنان از این مسئله نیز آگاهند که اقدام یکجانبه اسرائیل به ایران مورد حمایت جامعه جهانی نیز قرار نخواهد گرفت. بنابراین اگرچه نتانیاهو هیچ تمایلی به انتخاب مجدد باراک اوباما ندارد، اما نمی‌خواهد که با حمله یکجانبه به ایران موجب خشم وی شود.

نویسنده در پایان مقاله، تأکید می‌کند که در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که به‌رغم تشدید تحریم‌ها علیه ایران، این تحریم‌ها نیز نمی‌تواند سبب توقف برنامه هسته‌ای ایران شود. با وجود این، نتانیاهو برای حمله به ایران باید زمان زیادی صبر کند، زیرا اوباما با این اقدام موافق نیست. لذا حداقل تا اواخر سال جاری میلادی یا سال آینده، اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد.



عنوان: با اعتبار بخشی به جنگ علیه ایران، از وقوع آن جلوگیری می‌شود^۱

نویسنده: آنتونی کوردزمن

منبع: Center for Strategic and International Studies^۲

نویسنده در این گزارش با بررسی موضوع پرونده هسته‌ای ایران بر آن است که گاهی مواقع بهترین راه برای جلوگیری از جنگ، صحبت کردن روشن و شفاف درباره امکان آغاز آن است. بر این اساس برای پایان یافتن تنش میان غرب با ایران نیز باید زوایا و شرایط مختلف امکان وقوع جنگ را به صورت شفاف و واضح بیان کرد. نویسنده با تأکید بر پیامدهای بسیار جدی ناشی از یک ارزیابی نادرست از اوضاع و یا حمله‌ای ناموفق و محدود تأکید می‌کند که در حال حاضر هیچ‌کس نمی‌تواند احتمال آغاز جنگی جدی در خلیج فارس یا حمله پیشگیرانه به ایران و یا رابطه این دو را با یکدیگر محاسبه کند، اما واقعیت این است که مذاکرات هنوز پیشرفت ملموسی نداشته، تنش‌ها و آمادگی نظامی در خلیج فارس در حال افزایش است، تحریم‌های آمریکا علیه ایران بیشتر می‌شود و رهبران اسرائیل هم سرگرم بحث و گفتگوهای جدیدی درباره زمان و چشم‌انداز حمله نظامی پیشگیرانه به تأسیسات هسته‌ای ایران هستند. در این شرایط، ممکن است هیچ‌کس خواهان جنگ نباشد و طرفین دلایل منطقی برای اجتناب از جنگ داشته باشند، اما واقعیت این است که تنش‌ها و خطر محاسبات غلط رو به افزایش است. بنابراین معلوم نیست ایران

1. Anthony H. Cordesman, Iran: Preventing War by Making It Credible, Center for Strategic and International Studies, August, 2012.

۲. مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک، به بررسی مسائل مهم بین‌المللی می‌پردازد.

واقعاً این خطر فزاینده را که ممکن است هشدارهای چند ساله اسرائیل و آمریکا به عمل تبدیل شود به روشنی درک می‌کند یا خیر؟ انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هم این ابهام‌ها را بیشتر کرده است هرچند که به‌نظر نمی‌رسد که اختلاف واقعی میان باراک اوباما و میت رامنی درباره ایران وجود داشته باشد و هر دو حزب حاضر در کنگره هم از گزینه نظامی به‌عنوان آخرین راه‌حل حمایت می‌کنند.

ازسوی دیگر، به‌نظر نویسنده، این بحث‌ها در اسرائیل نیز ممکن است تأثیرات مشابهی داشته باشند به‌گونه‌ای که در اسرائیل نیز از یکسو برخی برآنند که دوران مبارزات انتخاباتی در آمریکا فرصت خوبی برای حمله به ایران است، زیرا هیچ یک از نامزدها نمی‌توانند حمایت خود را از اسرائیل نفی کنند، اما ازسوی دیگر برخی از مقامات ارشد و کارشناسان اطلاعاتی این کشور مخالف حمله به ایران هستند و احساس می‌کنند که این حمله ممکن است تأثیرگذار نباشد.

نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که در این اوضاع نامطمئن و ابهام استراتژیک و با افزایش پیچیدگی آن به‌دلیل تحولات منطقه‌ای مانند بحران سوریه، تنش میان شیعیان و سنی‌های بحرین و عربستان و رقابت برای اعمال نفوذ در عراق، یک برخورد کوچک و یا حمله‌ای ناموفق و محدود ممکن است پیامدهای بسیار جدی و ناخواسته دربرداشته باشد بنابراین اکنون ممکن است زمان آن باشد که برای کاستن از خطر جنگ قدم‌هایی برداشته شود. براین اساس، نویسنده در پایان این گزارش، بهترین گزینه‌ها در قبال این شرایط این است که اولاً آمریکا باید مرکز توجه مذاکرات را به خط قرمزهای روشن و شفاف آمریکا برگرداند. یعنی ایران باید بداند که حد و



مرزی واقعی برای گفتگو و عدم پیشرفت مذاکرات وجود دارد. لذا اگر آمریکا جدی است باید برای متقاعد ساختن ایران درباره این موضوع که انتخابی بین مذاکرات و حمله پیشگیرانه وجود ندارد، بیشتر تلاش کند. ثانیاً ایران باید بداند که گزینه موفقیت آمیزی ندارد. در این زمینه آمریکا احتیاجی ندارد ایران را با خطر حمله نظامی پیشگیرانه تهدید کند و فقط کافی است تمام امکانات خود را برای اجرای سناریوهای مختلفی که ممکن است در برخورد با ایران به کار گیرد به روشنی بیان کند. ثالثاً باید بهترین مشوق‌های ممکن به ایران پیشنهاد شود تا بتواند راه‌حلی را که از طریق مذاکره به دست آمده بپذیرد و در عین حال آن را یک پیروزی قلمداد کند. در این زمینه آمریکا می‌تواند به شیوه خودش معامله بزرگ را که شامل لغو تحریم‌ها و مشوق‌های تجاری و اقتصادی می‌شود به ایران پیشنهاد کند. همچنین آمریکا می‌تواند در همکاری با اروپا، روسیه و چین این بسته مشوق‌ها را گسترده‌تر کند و در این روند به مردم ایران نشان دهد که گزینه‌ای واقعی برای پیشرفت به سوی یک زندگی بهتر وجود دارد.

عنوان: آیا حمله به ایران قریب الوقوع است؟ احتمالاً خیر^۱

نویسنده: الیشوا گلدبرگ

منبع: Newsweek^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی این سؤالات پرداخته است که آیا حمله به ایران قریب‌الوقوع است؟ احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران چقدر است؟ و تلاش کرده تا به آنان پاسخ دهد. نویسنده در ابتدای مقاله به این مسئله اشاره کرده است که نگرانی‌ها در این زمینه ممکن است عمدتاً بی‌اساس باشد و تهدیدات کاملاً علنی اخیر برخلاف حمله است چون حملات موفق اسرائیل در گذشته (حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق در ۱۹۸۱ و حمله به تأسیسات هسته‌ای سوریه در ۲۰۰۷) کاملاً غافلگیرکننده بوده‌اند و به هیچ وجه علناً اعلام نشده‌اند. این در حالی است که حدوداً یک دهه است که همواره اخباری مبنی بر آماده شدن اسرائیل برای حمله به ایران مطرح می‌شود، اما این حمله تاکنون صورت نگرفته است. درواقع، آنچه احتمال حمله را رد می‌کند این واقعیت است که سه گروه بانفوذ از چنین اقدامی حمایت نمی‌کنند. نخست مردم اسرائیل هستند که ۶۶ تا ۳۲ درصد مخالف حمله یک‌جانبه اسرائیل هستند و طی سه ماه گذشته به‌علت حمایت نتانیاهو از جنگ به‌طور فزاینده از عملکرد وی اظهار ناخرسندی کرده‌اند. دوم ایالات متحده است که مقامات ارشد آن بارها گفته‌اند که تحریم‌ها برای اثرگذاری نیاز به وقت بیشتری دارد و از اسرائیل

1. Elisheva Goldberg, Is An Iran Strike Imminent? Maybe Not., Newsweek, 14 Aug, 2012.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر بین‌المللی است.



درخواست کرده‌اند حمله نکند. سوم و شاید مهمتر از همه این است که مقامات اسرائیلی بجز نتانياهو و باراک، به شدت مخالف حمله هستند و در حالی که ارتش اسرائیل باید هر دستوری را که به آن داده می‌شود اجرا کند وقتی که رئیس ستاد ارتش بر آن است که حمله فکر بدی است احتمالاً به حرف وی گوش داده خواهد شد. نویسنده در ادامه به بررسی موضع کابینه امنیتی اسرائیل در این باره پرداخته و تأکید کرده است که این واقعیت ناراحت‌کننده است که هیچ اکثریتی برای حمله به ایران در کابینه کوچک امنیتی اسرائیل وجود ندارد و در آن عده‌ای به شدت مخالف حمله هستند و برخی مردد هستند. بنابراین احتمالاً نتانياهو و باراک بر این واقعیت تکیه می‌کنند که ۶ وزیر دیگر از آنها حمایت خواهند کرد، اما این یک خطرپذیری واقعی است و نخست‌وزیر و وزیر دفاع نمی‌توانند بدون حمایت بقیه این گروه به تنهایی تصمیم بگیرند. براین اساس، می‌توان اینچنین نتیجه‌گیری کرد که همه لفاظی اخیر این دو نفر درباره جنگ کاملاً متوجه کابینه کوچک امنیتی اسرائیل است و این تهدیدات کاملاً برای ایجاد فشار مردمی بر آنهاست. باید این واقعیت را به این سه عامل اضافه کنیم که اسرائیل توانایی نظامی انجام کامل این کار را ندارد و چنین حمله‌ای خسارت زیادی به اقتصاد اسرائیل خواهد زد و تلفات جانی و عدم آمادگی جبهه داخلی را باید به آن افزود.

عنوان: امارات متحده عربی ائتلاف ضد ایرانی را به نفع واشینگتن و تل‌آویو رهبری می‌کند^۱

نویسنده: کوروش زیاباری

منبع: Global Research^۲

این گزارش به بررسی مواضع و سیاست‌های ضدایرانی امارات متحده عربی به‌ویژه در مورد جزایر سه‌گانه پرداخته و تأکید کرده است که هم‌اکنون این کشور هم‌راستا با منافع و سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه، رهبری ائتلافی ضدایرانی را برعهده گرفته است. در ابتدای این گزارش، نویسنده با اشاره به مواضع تهاجمی و خصمانه اخیر امارات در قبال ایران که این بار به‌دلیل سفر اخیر رئیس‌جمهور ایران به جزیره ایرانی ابوموسی در خلیج فارس در جریان سفرهای استانی در تاریخ ۱۱ آوریل سال جاری مطرح شده اشاره می‌کند که مقامات اماراتی با اظهاراتی متکبرانه و توهین‌آمیز مدعی شده‌اند که جزیره ابوموسی به خاک آنها تعلق دارد و بنابراین ایران تمامیت ارضی آنها را با ادامه اشغال این جزیره استراتژیک نقض کرده است. این در حالی است که دامن زدن به احساسات ضدایرانی همواره در دستور کار سیاسی مقامات امارات متحده عربی بوده است. به‌نظر نویسنده، علت اصلی این مواضع و سیاست‌های دولتمردان شیخ‌نشین این کشور کوچک عربی این است که آنان تصور می‌کنند که می‌توانند با به راه انداختن حملات لفظی علیه ایران به قدرت و محبوبیت دست پیدا کنند، اما آنها راه را اشتباه رفته‌اند، زیرا خصومت و رقابت با ایران

1. Kourosh Ziabari, United Arab Emirates (UAE) lead Anti-Iran Alliance on Behalf of Washington and Tel Aviv, Global Research, 28 April, 2012.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت و آنان در نهایت شکست خواهد خورد؛ بر این اساس عملاً جنجال مقامات امارات علیه ایران فقط اظهاراتی بی‌اثر است که البته از منظر و عقلانیت نیز به دور است؛ درواقع، آنچه آزاردهنده و دردناک است این است که مقامات امارات با غفلت ساده‌لوحانه خود از اصل همسایگی و همزیستی مسالمت‌آمیز، سخنان اسرائیل، آمریکا و انگلیس درباره ایران را تکرار می‌کنند و با این کار همسایه‌ای را که همواره به پیشرفت‌های آنها کمک کرده است از خود می‌آزارند. در این میان، رسانه‌های خبری امارات نیز که ناآگاهانه ایران را دشمن قسم خورده خود تصور می‌کنند در روزهای اخیر عناوین و مقالاتی را در کنار سایر روزنامه‌های عربی و مجله‌های آنها علیه ایران درباره بحث درباره جزیره ابوموسی اتخاذ کرده‌اند؛ رسانه‌های اماراتی در همراهی با سیاستمداران و دولتمردان خود از نفرت‌انگیزترین و زشت‌ترین زبان علیه ایران استفاده کرده‌اند و این طور به‌نظر می‌رسد که آنها درباره یک دشمن قسم‌خورده‌ای حرف می‌زنند که قرن‌هاست با او اختلاف دارند.

در این شرایط، ایران بر این باور است که امارات متحده عربی با طرح ادعا در مورد ابوموسی عملاً مسیر قدرت‌های غربی و اسرائیل را تعقیب می‌کند این در حالی است که مقامات اماراتی هرگونه اتهام در این رابطه را رد کرده‌اند. از سوی دیگر، پیتر هلیر، یکی از مدیران اجرایی آمریکایی مرتبط با وزارت اطلاعات و فرهنگ امارات با بی‌نزاکتی موضع ایران مبنی بر اینکه انگلیس عامل ادعاهای ارضی امارات علیه جزیره ایرانی ابوموسی است را مضحک توصیف کرد، اما واقعیات موجود چیز دیگری را نشان می‌دهد، زیرا وزارت امور خارجه آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا با صدور بیانیه‌های مجزا از ادعاهای شیخ‌نشین امارات درباره جزیره ابوموسی حمایت

کرده‌اند و این مسئله ثابت می‌کند که سوءظن ایران درباره نقش احتمالی آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی در سناریوی ضدایرانی امارات صحت دارد. همچنین واقعیت این است که شواهد تاریخی که تأیید می‌کنند جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ همواره بخش‌های جدایی‌ناپذیر از خاک ایران بوده‌اند فراوان هستند و در آنها پروژه‌های تحقیقاتی و مقالات علمی قابل استنادی نیز وجود دارد؛ اسناد تاریخی شامل صدها نقشه باستانی با ارزش که در موزه جهان نگهداری می‌شوند، دلیل این حقیقت است که جزایر سه‌گانه خلیج فارس بخش‌های جنوبی ایران را تشکیل می‌دهند و ادعای مقامات امارات متحده عربی بی‌اساس و غیرقانونی است. با وجود این آنچه مایه تأسف است این است که مقامات امارات و دولتمردان سایر کشورهای عربی همگی به یک سناریوی بدفرجام ضدایرانی ملحق شده‌اند که هیچ ثمری ندارد و فقط به قیمت از دست دادن دوستی متحد متعهد و وفادار آنها یعنی ایران منجر می‌شود. همچنین نباید از یاد برد که در طول چهار دهه گذشته و متعاقب شکل‌گیری امارات متحده عربی، ایرانی‌ها به‌طور وسیعی به سرمایه‌گذاری خود در بخش‌های مختلف مالی و اقتصادی این کشور کوچک عربی پرداختند و کمک کردند که این بیابان گسترده به یک کشور مرفه و یکی از مراکز گردشگری در خلیج فارس تبدیل شود نویسنده در پایان تأکید می‌کند که اگرچه در حال حاضر شاید امارات متحده عربی بتواند با کمک رسانه‌های خبری غربی و عربی که در هر فرصتی آماده حمله به ایران هستند پیروز جنگ روانی علیه ایران باشد، اما حقیقت این است که ابوموسی و دو جزیره دیگر خلیج فارس به‌عنوان بخش ابدی و ماندگار خاک ایران باقی خواهند ماند.



عنوان: ژئوپلیتیک موشک‌های آسیایی^۱

نویسنده: تنویر احمد خان

منبع: Real clear word

نویسنده در این گزارش به بررسی تنش‌ها و رقابت‌های تسلیحاتی در کشورهای آسیایی پرداخته و تلاش کرده است با تمرکز بر تلاش این کشورها برای دستیابی به توانمندی‌های موشکی، به ارزیابی نقش این برنامه‌های موشکی در بازدارندگی و ثبات در منطقه و یا بی‌نظمی در آن بپردازد. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش به یک ارزیابی از شرایط اقتصادی، سیاسی و نظامی این کشورها می‌پردازد و اذعان می‌کند که امروزه قدرت اقتصادی از اروپای شرقی و آمریکا شمالی به سمت آسیا سرازیر شده‌اند. در این شرایط، به نظر می‌رسد که آسیایی‌ها می‌توانند هرگونه اصلاحات اقتصادی را با اعتماد به نفس پیش ببرند. با وجود این دستاوردهای اقتصادی با موفقیت‌های سیاسی هماهنگ در راستای ایجاد نظم منطقه‌ای همراه نبوده است. هند و پاکستان دو نمونه بدیهی از این مسئله هستند. این دو کشور در تاریخچه خود جنگ‌های جدی و تنش‌هایی که منتهی به جنگ نشده را داشته‌اند. همچنین چین نیز هنوز موفق به ترسیم مرز مشخص با هند نشده و تنها دلیل آن هم مسئله اختلاف‌های مرزی با این کشور نیست، بلکه تبت نیز در آن نقشی بسزا ایفا می‌کند. در این میان، بسیاری از تحلیلگران آسیایی ادعا می‌کنند که بسیاری از جنگ‌هایی که این قاره به خود در تاریخ دیده در حقیقت میوه دخالت‌های خارجی بوده است. جنگ

1. Tanvir Ahmad Khan, Geopolitics of Asian missiles, Real clear word, 30 April, 2012.

استعماری فرانسه در هند - چین که بعدها آمریکایی‌ها آن را به ارث بردند، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، اشغال فلسطین توسط اسرائیل و دیگر تعدی‌ها به سرزمین اعراب، حمله نظامی عراق به ایران و البته دخالت نظامی مستقیم و مشخص ارتش آمریکا در افغانستان و عراق. بر این اساس باید این‌گونه نتیجه‌گیری کنیم که تنش‌های میان هندوستان و پاکستان بیشتر ریشه در اتحاد آنها با بلوک‌های بزرگ منطقه‌ای متفاوت در سطح بین‌المللی - و نه ذات نهفته در روابط دوجانبه - دارد.

نویسنده در ادامه به بررسی بودجه‌های نظامی کشورهای آسیایی پرداخته و تأکید می‌کند که ابرقدرت‌های بلوک شرق امروز، در چند سال اخیر هزینه‌های بسیاری را در بخش نظامی مصرف کرده‌اند. بر اساس آخرین آمارهای اعلام شده میزان هزینه‌های نظامی هند در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد گذشت. پاکستان نیز هنوز لزوم را در تخصیص بخش اعظمی از بودجه خود به خرید تجهیزات نظامی می‌بیند. هزینه‌های نظامی چین گوی سبقت را از هندی‌ها هم ربوده است. به‌نظر نویسنده، در اغلب موارد، هزینه‌های نظامی در این کشورها به‌دلیل وجود و یا حتی احساس تهدید واقعی نیست، بلکه نتیجه این نظر نخبگان سیاسی است که قدرت نظامی عامل اصلی تأمین امنیت و تعریف هویت ملی یک کشور است. چنانچه بازتاب آزمایش موشکی هند در ۱۹ آوریل در رسانه‌های بین‌المللی نشان‌دهنده توانایی هند و البته به نوعی خنثی‌کننده موفقیت‌های اقتصادی پکن بود. به رخ کشیدن این توانایی‌های موشکی و هسته‌ای نشان داد که به احتمال



بسیار زیاد، شانس تنش میان چین و هند بسیار ناچیز است. زیرا هندی‌ها با پرتاب موفقیت‌آمیز این موشک به جمع کشورهای پیوستند که می‌توانند موشک‌های بالستیک درون‌قاره‌ای پرتاب کنند. این آزمایش نشان‌دهنده میل بالای هندی‌ها به پیشرفت در حوزه هوا و فضا بود و هند در حال حاضر می‌تواند تسلیحات هسته‌ای و معمول را در زمین، دریا و هوا مستقر کند. از سوی دیگر، پاکستان نیز موشک‌های هسته‌ای را برای مقابله با هند و به نوعی خط و نشان کشیدن به این کشور جمع‌آوری کرده است. بسیاری از موشک‌های میان‌برد این کشور می‌توانند اهداف هند را با خاک یکسان کنند. براین اساس، تنها ۶ روز پس از آزمایش موشکی هند بود که پاکستانی‌ها نیز توانمندی نظامی خود را به رخ چین کشیدند. از سوی دیگر در غرب آسیا و در خاورمیانه نیز موشک‌های صدام در سال‌های حضور وی در رأس قدرت در عراق به نوعی عامل تشویق ایران برای گسترش پروژه‌های موشکی شد و برنامه‌های موشکی این کشور همواره نوعی به رخ کشیدن قدرت آن در منطقه بود. موشک‌های شهاب ۳ و سری‌های سجیل به خوبی منطقه خلیج فارس را پوشش می‌دهد و البته توانایی دستیابی به اهداف در خاک سرزمین‌های اشغالی فلسطین را هم دارد. راکت سفیر ایران می‌تواند ماهواره‌ها را در فضا مستقر کند و به موشک‌های دوربرد تبدیل شود. درست مانند هند و پاکستان که رقابت تسلیحاتی با هم دارند، کشورهای عربی منطقه‌ای هم برای جبران دستاوردهای نظامی هسته‌ای ایران دست به کار خرید تجهیزات شده‌اند.

در این وضعیت، بازیگران خارجی به دنبال کاهش زود هنگام تنش‌ها نیستند

چنانچه آمریکا بیش از آنکه به دنبال آشتی دادن کره شمالی و جنوبی با هم باشد در مسیر تغییر رژیم در این کشور و متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن گام برمی‌دارد و هند را واسطه‌ای برای محدود نگاه داشتن قدرت چین و رقابت با پکن می‌داند. اما در خصوص ایران آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند که فروش تسلیحات به کشورهای عربی همسایه ایران و حاشیه خلیج فارس عامل محدود شدن توانمندی‌های نظامی و هسته‌ای ایران است. براین اساس، نویسنده در پایان این گزارش تأکید می‌کند که برنامه‌های موشکی می‌تواند همزمان مشوق صلح و یا مسبب جنگ باشد. همه چیز بستگی به این دارد که دولت‌ها چه راهی را برای حل و فصل اختلاف‌ها انتخاب کنند. بنابراین استراتژی ثبات بازدارنده‌ای که میان هند و پاکستان نوعی خودداری از ایجاد تنش نظامی را خلق کرده بود در خصوص ایران و اعراب هم قابل استفاده است، اما پیش‌شرط‌گذاری‌های مداوم به نوعی حل پرونده هسته‌ای ایران از طریق دیپلماتیک را تحت‌الشعاع قرار داده است.



عنوان: واقع‌گرایان در تهران^۱

نویسنده: سرگی مارکدونف

منبع: The National Interest^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی سیاست ایران در قفقاز پرداخته و تأکید کرده است که سیاست خارجی ایران در قبال این منطقه کاملاً واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه است. در ابتدای گزارش، نویسنده تأکید کرده است که مسئله ایران همچنان در دستور کار بین‌المللی مطرح است، اما این مسئله بسیار گسترده‌تر از تنش ایران با غرب بر سر برنامه هسته‌ای‌اش است. جمهوری اسلامی به تلاش برای برخی تحرها در منطقه و میل به اهداف ژئوپلیتیکی متهم است. هرچند امروز ایران نشان می‌دهد که علاقمند به ایفای نقش در بازی ژئوپلیتیکی بین‌المللی است، همچنان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز به شمار می‌رود. در این میان، سیاست ایران در قفقاز اگرچه متناقض به نظر می‌رسد، اما این کشور عقلانیت خاصی در سیاست خود در قبال این منطقه دارد. براین اساس است که اگرچه ایران رویکرد ضدآمریکایی دارد، اما در مورد قفقاز بارها ثابت کرده که به دنبال نقش آفرینی پراگماتیک در این بازی ژئوپلیتیکی است. در واقع، قفقاز به‌طور خاص ترکیبی از سیاست‌های پراگماتیک و رویکردهای ایدئولوژیک ایران به شمار می‌رود، اما برخلاف دیگر مناطق، عنصرهای واقع‌گرا تا سطح زیادی قابل شناسایی هستند.

1. Sergey Markedonov, The Realists in Tehran, The National Interest, 4 May, 2012.

۲. از نشریات وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.

نویسنده در ادامه با بررسی تاریخی رویکرد ایران به منطقه قفقاز تأکید می‌کند که از بین رفتن سرزمینی پهناور که زمانی متعلق به پارس‌ها بود (شمال آذربایجان، شرق ارمنستان) همچنان حلقه‌ای تراژدیک برای ایرانیان به شمار می‌رود. شماری از کارشناسان ایرانی بر این باورند که بی‌ثباتی‌های کنونی در منطقه قفقاز ناشی از جنگی است که با پارس‌ها در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی انجام داده شده است. این پیشینه تاریخی سیاست ایرانیان در قفقاز را با اولویت‌های زیر همراه کرده است:

نخست اینکه ایران به شدت در مورد ظهور هر بازیگر غیرمنطقه‌ای در همسایگی‌اش حساس است. ایران بر این باور است که امور قفقاز فقط به کشورهای منطقه شامل گرجستان، آذربایجان و ارمنستان مربوط نمی‌شود و ایران، ترکیه و روسیه نیز در این مورد حقوقی دارند. این موقعیت به توضیح موضع جدی ایران در قبال مواردی چون قره باغ کمک می‌کند. همچنین ایران به‌طور خاص از نفوذ اسرائیل در قفقاز نگران است که می‌کوشد تناقض‌های خاورمیانه‌ای بین ایران و اسرائیل را به صحنه قفقاز انتقال دهد.

دوم آنکه، در جنوب قفقاز، تهران به دنبال حفظ وجهه خود است. در مقابل دشمنی ایران با نیروهای غیر منطقه‌ای به خصوص آنهایی که از غرب می‌آیند، تهران در مقابل مسکو و تنش‌ها در گرجستان به گرمی رفتار می‌کند.

سوم اینکه، ایران در برقراری روابط دوجانبه با کشورهای قفقاز، ترجیح می‌دهد که بیشتر بر اهداف منطقه‌ای تکیه کند تا رویکردهای ایدئولوژیک. این نکته را می‌توان در روابط ایران و آذربایجان مشاهده کرد به‌ویژه اینکه با وجود سابقه تاریخی



تنش‌ها و درگیری‌ها و اتهام زنی‌های اخیر درخصوص انجام امور جاسوسی از سوی ایران در آذربایجان و ازسوی اسرائیلی‌ها در آذربایجان علیه ایران، وزیران دفاع آذربایجان و ایران برای آموزش‌های نظامی مشترک با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. اما روابط ایران و ارمنستان در سابقه تاریخی خود موفقیت‌های بیشتری را به ثبت رسانده است. در این رابطه، ایدئولوژی نقش کلیدی ایفا نمی‌کند. شاید بتوان این جهت‌گیری در سیاست خارجی ایران را در زمره یکی از پراگماتیک‌ترین سیاست‌ها طبقه‌بندی کرد. ارمنی‌های مسیحی یکی از مهمترین شرکای ایران در ایجاد توازن در برابر قدرت رو به افزایش ترکیه به شمار می‌روند. حتی امضای دو پروتکل برای عادی‌سازی روابط بین ایران و آنکارا نیز نتوانسته تغییر چندانی در روند امور حاصل کند. ازسوی دیگر ایران نیز در پروژه‌های انرژی و حمل‌ونقل ارمنستان فعال است تا این کشور را از انزوای ژئوپلیتیکی خارج کند، حتی گرجستان، با وجود سیاست خارجی حامی ناتو و تاب‌نیاوردن اندیشه‌های ضدآمریکایی در ایران، به دنبال حفظ روابط مثبت خود با ایران است. از سال ۲۰۱۰، روابط دوجانبه تقویت شده و قوانین صدور ویزا بین ایران و گرجستان تسهیل شده است. ازسوی دیگر طبقه سیاسی گرجستان نیز اهمیت همکاری با ایران را درک می‌کند. ازسوی دیگر، روابط ایران و روسیه فقط به مسئله قفقاز محدود نمی‌شود هرچند که این منطقه برای پویایی ایران و روسیه در منطقه اهمیت زیادی دارد. اما در پس‌پرده روابط تهران و مسکو، مغایرت‌های پنهان زیادی نیز وجود دارد. تهران نگران است که خارج شدن قفقاز شمالی از فدراسیون روسیه آن را در آینده تحت سلطه ترکیه قرار دهد که

به‌لحاظ تاریخی رقیب ایران است. نکته قابل توجه این است که در جریان دو جنگ روسیه با چین، تهران به صراحت اعلام کرد که از جدایی‌طلبان حمایت نمی‌کند، ازسویی دیگر ایران از گروه‌های مسلمان مانند حماس و حزب‌الله حمایت می‌کند که تمایل دارند، اسلام‌گرایان در قفقاز را به‌عنوان متحد خود بپذیرند. به این ترتیب ایران هیچ‌گاه در امور داخلی قفقاز شمالی دخالت نکرده، اما در عین حال از گروه‌های مسلمانی پشتیبانی کرده که تمایلاتی به اسلام‌گرایان در قفقاز دارند.

ازسوی دیگر، مسئله قفقاز تنها موضوع تنش‌زا بین ایران و ترکیه نیست. در سال‌های اخیر ترکیه کوشیده است تا نقش خود را در قفقاز و خاورمیانه پررنگ‌تر کند و همه این تغییرات روابط تهران آنکارا را پر تنش‌تر کرده است. ایران و ترکیه به یکدیگر اعتماد کامل ندارند. ترکیه با پیشنهاد چارچوب قفقاز پس از جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ از ایران عبور کرد و آن را خارج از بخش امنیتی قفقاز قرار داد در حالی که تهران، آنکارا را در ساختار امنیتی ۳+۳ خود قرار داده بود. این در حالی است که سیاست خارجی ایران در مورد قفقاز همچنان منشعب باقی مانده است. تهران رویکرد ضد آمریکایی دارد اما در مورد قفقاز بارها ثابت کرده که به دنبال نقش آفرینی پراگماتیک در این بازی ژئوپولیتیکی است.



عنوان: سیاست آمریکا در قبال ایران: چشم‌انداز موفقیت و شکست^۱
نویسندگان: مایکل آدلر و دیگران
منبع: Cato Institute^۲

این گزارش به بررسی سیاست کنونی آمریکا در قبال ایران پرداخته و تلاش کرده است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا تعریف دولت اوباما از دیپلماسی، محدود به تحریم و فشار است یا گزینه‌های دیگری را نیز در دستور کار خود دارد. این مسئله را می‌توان با این نشانه که در ماه گذشته شتاب به سوی جنگ با ایران به میزان زیادی کاهش یافته و همچنین از سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا باراک اوباما مبنی بر زمان برای دیپلماسی بررسی کرد. بنابراین همچنان که شتاب به سوی جنگ با ایران کُند شده است، شانسی برای دیپلماسی وجود دارد و علیرغم روابط هسته‌ای تقابل‌گرایانه آمریکا - ایران از سال ۲۰۰۲ تاکنون، مذاکرات جدید ناامیدکننده نبوده، بلکه شانس مناسبی برای یک آغاز جدید محسوب می‌شود. در این شرایط، در حالی که انتظارات کمی با مذاکرات اولیه همراه بوده، دور دوم مذاکرات را می‌توان به‌عنوان پایه موفقیت نگرست، اما کشورهای ۱+۵ در مذاکرات آتی نباید بلافاصله ضرب‌الاجل‌هایی وارد بحث کنند، بلکه باید زمانی صرف این کنند که امکان مصالحه میان آنان به‌وجود آید.

از سوی دیگر، هر چند آمریکا باید «خطوط قرمزی» علیه سلاح‌های هسته‌ای

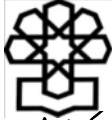
1. Michael Adler, et al, U.S. Policy toward Iran: The Prospects for Success - and for Failure, Cato Institute, March, 2012.

۲. از اندیشه‌های نزدیک به دمکرات‌های آمریکاست.

داشته باشد، اما باید به ایران اجازه داد که راه‌گزینی برای داشتن یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد. ایران در حال حاضر در سطحی از برنامه هسته‌ای خود است که هیچ حمله نظامی نمی‌تواند توانایی این کشور را از بین ببرد؛ چنین حمله‌ای فقط ایران را متقاعد خواهد کرد که این کشور به سلاح‌های هسته‌ای نیاز دارد. در این میان باید توجه داشت که مقامات ایرانی در مورد پرونده هسته‌ای خود منطقی و معقول هستند. از نظر آنان اگرچه برنامه هسته‌ای ایران هم از نظر فنی و هم از نظر مقاومت در برابر تحریم‌های تحت رهبری آمریکا یک موفقیت به حساب می‌آید، اما آنان خطرات ناشی از حمله آمریکا به ایران را کاملاً در نظر دارند، لذا اگرچه ایران تاکنون ثابت کرده که در برابر فشار تسلیم نخواهد شد، اما دیپلماسی باید ادامه یابد تا امکان مصالحه به‌وجود آید. در این شرایط، سیاست کنونی آمریکا بر مهار ایران هسته‌ای متمرکز نیست، اما سیاست‌ها می‌توانند بعد از انتخاب دوباره رئیس‌جمهوری در انتخابات آمریکا تغییر کنند. همچنین اگر چه کنگره آمریکا نیز در قبال برنامه هسته‌ای ایران فشار بیشتری بر فشار موجود می‌افزاید و تهدید به فشار بیشتر می‌کند، اما در واقع، کنگره می‌خواهد نشان دهد که نگران است اما ترسو تر از آن است که اعلان جنگ کند و از این‌رو اقداماتش به اقدامات ظاهری و صوری تقلیل یافته است. بنابراین، هر گونه راه‌حل دیپلماتیک یک فرآیند طولانی است و آمریکا به‌عنوان قدرتی تک‌قطبی باید قادر باشد که از روی اعتبار ضمانت‌های امنیتی به ایران بدهد. از این‌رو، آمریکا اگر می‌خواهد ایران باور کند که این کشور درباره راه حل دیپلماتیک جدی است، باید امتیازهای بزرگ بدهد. در این میان، تحریم‌های اعمالی علیه ایران



فقط جایگزینی برای جنگ و دیپلماسی هستند. این تحریم‌ها ابزاری سخت هستند که به طبقه متوسط آسیب می‌رسانند. بنابراین اگرچه تحریم‌ها از طریق مهار ایران، ارائه نمونه‌ای به کشورهای دیگری که ممکن است خواستار برنامه هسته‌ای باشند و ایجاد شکاف‌هایی در درون نظام، منافع آمریکا را ارتقا می‌دهند، اما این تحریم‌ها در ازای بهای سنگینی به دست می‌آیند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۶۰۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۱)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

مقتضی: معاونت سیاسی - حقوقی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۷/۲۳